

در مورد تفسیر و تفهیم قرآن و التزم به آداب و اصول تفسیر قرآن کریم است. در این مقاله به بررسی روش‌های تفسیر علمی قرآن کریم پرداخته شده است. در این روش، قرآن کریم را به عنوان یک متن علمی و فلسفی در نظر می‌گیرند و سعی می‌کنند تا با استفاده از روش‌های علمی و فلسفی، مفاهیم و معانی آن را تبیین کنند. این روش تفسیر، به دلیل جامعیت و عمق، مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است.

این روش تفسیر، به دلیل جامعیت و عمق، مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است. در این روش، قرآن کریم را به عنوان یک متن علمی و فلسفی در نظر می‌گیرند و سعی می‌کنند تا با استفاده از روش‌های علمی و فلسفی، مفاهیم و معانی آن را تبیین کنند. این روش تفسیر، به دلیل جامعیت و عمق، مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است.

## پژوهشی در تفسیر علمی قرآن کریم

دکتر علی مطوری

دانشکده الهیات، دانشگاه اهواز



### چکیده

یکی از گونه‌های تفسیر قرآن کریم "تفسیر علمی" می‌باشد که در میان مفسران کهن و جدید پیوندگانی داشته است. از جمله متأخران معتقد به این روش امام محمد غزالی است و در بین مفسران معاصر می‌توان از طنطاوی یاد کرد. اینان معتقدند که تمامیت علوم از جمله حقایق و پدیده‌ها و موجودات به صورت اجمال و تفصیل در قرآن ذکر شده است و بیان هر کدام از اینها وجهی از وجوه لایتنهای اعجاز قرآن را بر ما روشن خواهد نمود و بدین ترتیب مشکل تعارض بین "علم" و "دین" از بین خواهد رفت.

در مقابل این نظریه، مخالفان تفسیر علمی معتقدند که اهتمام و رسالت واقعی قرآن کریم هدایت انسانهاست و استفاده از نظریات علمی در فهم بیشتر آیات قرآن کریم تا بدان حد جایز است که نظریات علمی را بر قرآن تحمیل نکنیم. در واقع قرآن را محور بدانیم و با عنایت به آیه شریفه و تیائناً لكل شیء و دیگر آیات نظیر آن نمی‌توان گفت که همه مباحث اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی و... به تفصیل در قرآن آمده است. بلکه قرآن بیانگر هر چیزی است که بیانش در شأن قرآن باشد.



## مقدمه

بیش از چهارده قرن از تاریخ نزول قرآن کریم می‌گذرد، و تفسیر این کتاب مبین سابقه‌ای بس طولانی از زمان نزول نخستین آیات، تا پایان عمر شریف رسول اکرم (ص) و تا به امروز دارد.

دانشمندان و اندیشوران مسلمان با تخصصهای مختلف در رشته‌های گوناگون علمی، تمام توان و استعداد و تخصص خود را با علاقه‌مندی و شور و شوق خاص، صرف تبیین و تفسیر این کتاب عظیم نموده و همه هم خود را در این راه مقدس مصروف داشته‌اند.

ارباب ادب و اصحاب بلاغت، از بعد ادبی دقائق و ظرائف کلمات و الفاظ نورانی قرآن را که به زبان «عربی مبین» نازل گردیده، مورد بحث و فحص قرار داده و به «تدبیر» تبیین ارتباط محکم مفاهیم و انسجام متقن مضامین و هماهنگی زیبای معانی و اثبات «عدم اختلاف» در کلام الله مجید پرداخته‌اند.

متکلمان و حکمای مسلمان نیز زبان برهان گشوده و روش تعقلی و مبانی و قواعد فلسفی را به خدمت تفسیر قرآن کریم در آوردند.

حکیمان الهی که در تعمق و تفکرات آیات، در مقابل فهم و بیان آیاتی چون «الله نور السموات و الارض»<sup>(۱)</sup> به پایان قلمرو عقل و اندیشه بشری رسیده و از درک عمق معانی آیات عاجز مانده و پای عقل را در طی طریق لنگ دیده‌اند، و عارفان و اهل ذکر که در کشف حقایق قرآنی و معارف عمیق الهی، پای استدالیان را چوبین و بی تمکین یافته‌اند، با رهنمود آیاتی چند از خود قرآن کریم، برای تفسیر و فهم آن از «معرفت شهودی» استمداد طلبیده و در حوزه «عرفان» به کند و کاو و شناخت حقایق مصحف شریف مبادرت نمودند.

فقها نیز از منبع فیض آیات الاحکام مستفیض بوده و خصوصاً در عصر غیبت در اجتهاد و استنباط احکام از این بحر نور مستفید گشته‌اند.

علمای اخلاق نیز برای ارشاد و تزکیه نفوس ناس و بعد اخلاقی و ارزشی، آیات الهی



را مورد تفسیر و تفصیل قرار داده و قلوب را به نور قرآن منور ساخته‌اند. جمعی نیز با استناد و تمسک به آیات «آفاقی و انفسی» و سفارش قرآن کریم مبنی بر لزوم «تفکر» و «نظر» در کتاب تکوین، با دید علمی، قرآن مجید را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده‌اند. (۱)

و خلاصه، صاحبان عقل سالم و قلب سلیم در طول تاریخ تفسیر، هر کدام به قدر «طاعت بشری» برای فهم و حقایق قرآن کریم در این بحر عمیق و بی پایان به غور و غواصی پرداخته و هر کس به قدر ظرفیتش از این «آب حیات» نوشیده و هر کس بر اساس «قابلیت استفاضه» و مرتبه علمی و تقوایی و درجه «تطهیر باطن» و تمسک به «عترت طاهره» از بواطن نورانی و ژرف این کتاب الهی بهره برده است.

در این تحقیق برآنیم که یکی از گونه‌های تفسیر قرآن کریم یعنی «تفسیر علمی» را بررسی و معرفی نمائیم و میزان مشروعیت و حجیت، سوابق تاریخی، ادله موافقان و مخالفان، و مهمترین اصول و مبانی این روش تفسیری را بیان داریم.

### الف - سوابق تاریخی

تفسیر علمی قرآن کریم، گرچه یک پدیده قابل توجه در عصر حاضر است و تاکنون کتب و مقالات زیادی در رد و قبول آن نگارش یافته، اما این روش تفسیر، ویژگی عصر حاضر نبوده و از قدمت تاریخی قابل توجهی برخوردار است، و تفسیر آیات قرآن کریم به مدد کشفیات علمی اعم از «فرضیه و تئوری» و «قانون» در میان متقدمین و متأخرین طرفداران و دل‌بستگانی داشته، اما بلوغ گرایش به این شیوه در تفسیر و اوج آن، در قرن اخیر (قرن ۱۴ هجری) است.

پیشرفتهای خیره کننده علوم و فنون در چند قرن اخیر - خصوصاً قرن معاصر - و

۱ - مانند آیه ۲۹ سوره انفال «... ان تقوا الله يجعل لكم فرقانا...» یعنی: «... اگر از خدا بترسید شما را بصیرت

شناخت حق از باطل دهد...».



موفقیت‌های پی در پی بشر به حل مجهولات و کشف افق‌های جدید در دانش و معرفت که منجر به تسلط هر چه بیشتر او بر زمین و فراسوی آن و بروز تغییرات مشهود در چهره زندگی فردی و اجتماعی او شده است، از یک سو و وجود آیات متعددی در قرآن کریم که در آنها به مسائل «کون» و عالم آفرینش اشارت رفته است، قائلین به تفسیر علمی و شماری از دانشمندان علوم تجربی و طبیعی را بر آن داشت، تا آنان نیز همچون سایر گروه‌های مردم، به تدبیر و تحقیق در قرآن کریم بپردازند، و با استفاده از تخصص‌های مختلف نظیر: طب، نجوم و هیأت، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی و... آیات کونیه را تبیین نمایند، و هر کدام به نوبه خود وجهی از وجوه لایتناهی اعجاز قرآن را به جویندگان معارف عالی، عرضه بدارند.

رهروان این شیوه از تفسیر قرآن کریم معتقدند که خداوند تعالی با اشاره به شگفتیها و اسرار آفرینش آسمانها و زمین و ستارگان و نیروهای شگرفت موجود در آنها و رموز اعجاب‌آمیز خلقت انسان، تحقق هدایت واقعی را به نگرش و شناخت دقیق این آیات و اسرار آفرینش و پدیده‌های آن دانسته است. و بدین ترتیب، تفسیر خود را گامی به سوی معرفت حق تعالی و کشف و شناخت واقع بینانه آثار رحمت و قدرت او دانسته‌اند، همو که در تقویت ایمان و هدایت بشر، بشدت مورد نیاز است. *انسانی و مطالعات فرهنگی*

طرفداران و سالکان روشن علمی در تفسیر، معتقدند که تفسیر علمی عهده دار بیان جنبه‌هایی از اعجاز قرآن کریم است که چه بسا از دید نحوی و اصولی و متکلم و... ناپیدا و مبهم می‌نماید.

پیشتر از این بیان شد که گرایش به تفسیر علمی، از قدمت تاریخی قابل توجهی برخوردار است و این شیوه تفسیری در میان مفسران کهن نیز پویندگانی داشته است. از جمله این مفسران که آثار و تألیفات آنان در اختیار است می‌توان از ابو حامد غزالی، فخر رازی، ابن ابی الفضل المرسی، زرکشی و سیوطی نام برد. این مفسران گرچه در اشمال قرآن بر علوم گذشتگان و آیندگان متفق القول بوده‌اند، اما میزان و نحوه گرایش آنان با یکدیگر اختلاف دارد.

ما برای بیان چگونگی این اختلاف، آراء تفسیری یکی از متقدمین (غزالی) و یکی از



متأخرین (طنطاوی) را به بحث می‌گذاریم تا ضمن مقایسه این دو، میزان و نحوه تأثیر «علوم و دانش بشری» را بر افکار و اندیشه‌های یک «مفسر» بنمایانیم.

### امام ابو حامد غزالی

غزالی (م ۵۰۵ هـ) از جمله مفسرانی است که معتقد به اشتغال قرآن بر کلیه علوم گذشتگان و آیندگان بود.

وی معتقد بود که هر کس بخواهد متعرض تفسیر قرآن شود بایستی از علوم شرعی اعم از اصول و فروع و علوم عربیت آگاهی داشته، و به علوم هستی‌شناسانه، احاطه داشته باشد تا بتواند در پرتو آن قادر به تبیین نشانه‌های هدایت قرآنی باشد و بر اهداف قرآنی استدلال نماید. وی استفاده از این علوم هستی‌شناسانه در تفسیر را برای فهم «نص قرآنی» لازم می‌داند.<sup>(۱)</sup>

وی باب چهارم از ابواب «آداب تلاوت قرآن» را به فهم قرآن و تفسیر به رأی بدون استفاده از نقل اختصاص داده، ضمن اشاره به این که قرآن شامل علوم اولین و آخرین است. از بعضی از علما نقل می‌کند که قرآن کریم شامل «۷۷۲۰۰» علم است. زیرا هر کلمه قرآن یک علم است و چون هر کلمه‌ای ظاهری و باطنی و حدی و مطلعی دارد، بنابراین، تعداد کلمات قرآن را باید ضربدر چهار کرد، تا تعداد علوم قرآن حاصل شود.<sup>(۲)</sup>

گرایش علمی غزالی در تفسیر، در کتاب دیگر وی *جواهر القرآن* نیز انعکاس دارد. وی فصل چهارم از این کتاب را به چگونگی انشعاب علوم دینیه از قرآن و تقسیمات آن اختصاص داده، علوم قرآن را به دو قسم تقسیم می‌کند:

الف: علوم صدف و قشر (پوست) که آن را شامل علم لغت، قراءات، مخارج حروف و تفسیر ظاهر می‌داند.

۱ - عرجون، محمد الصادق، *القرآن العظیم، هدایت و اعجازه*، مکتبه الکلیات الازهریه، ۱۹۹۶، ص ۲۵۷.

۲ - مقایسه کنید: سیوطی، جلال الدین، *الاتقان*، چاپ محمد ابو الفضل ابراهیم، ج ۴، ص ۳۷.



ب: علم اللباب (هسته) و متعلقات آن را علم تاریخ، کلام، فقه، اصول فقه، علم به خدا و روز معاد و صراط مستقیم و طریق سلوک دانسته است. در فصل پنجم این کتاب از کیفیت اشعاب سایر علوم (همچون علم طب، نجوم، هیأت، ساختمان بدن حیوان و تشریح اعضاء بدن، علم سحر و...) از قرآن سخن به میان آورده است. وی می‌گوید:

«در عالم امکان و استعداد گروهی از علوم وجود دارند که هنوز علم بشر بدانها نرسیده که این هم از قرآن خارج نیست... این علوم می‌که بر شمردیم و نشمردیم اصول و مقدمات آنها از قرآن خارج نیست. چون همه از دریایی منشا می‌گیرند که نمی‌توان برای آن ساحلی نمود...»<sup>(۱)</sup>

در جای دیگر اضافه می‌کند:

«... پس در قرآن بیندیش و بشگفتیهای آن را دریاب که در آن کلیات (جوامع) علوم اولین و آخرین، جمع است. و تفکر آن، برای وصول از کلیات به جزئیات و تفصیل این علوم است...»<sup>(۲)</sup>

از آنچه که تا کنون درباره گرایش علمی غزالی بیان شد، میزان علاقه مندی وی به این که قرآن کریم شامل کلیات علوم اولین و آخرین است، روشن شد. اما غزالی بر خلاف متأخرین معتقد به تفسیر علمی، وارد جزئیات و ریزه کاریهای علوم طبیعی و تجربی نشده است.<sup>(۳)</sup>

### طنطاوی جوهری

شیخ طنطاوی (۱۲۸۷ - ۱۳۵۸ ه. ق) بارزترین چهره معاصر در بنیان نهادن سبک جدید در تفسیر علمی به شمار می‌آید. از نامی که برای کتاب تفسیر خود انتخاب نموده است

۱ - غزالی، ابو حامد، جواهر القرآن، مکتبه الجندی، ص ۲۱ - ۳۴.

۲ - همان، ص ۳۴.

۳ - همان، ص ۳۴.



(الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم المشتمل علی عجایب بدایع المکنونات و غرایب الایات الباهرات) میزان تمایل و گرایش طنطاوی به دخیل نمودن مباحث و عجایب آفرینش و اسرار علوم و نظریات جدید در تفسیر، بخوبی روشن می شود.<sup>(۱)</sup>

از بررسی سوابق تحصیلی طنطاوی که در مدارس حکومتی و الازهر، علوم دینی و عربی و علوم دیگر از قبیل علوم تجربی و ریاضیات و زبان انگلیسی را کاملاً خوانده است و هنگام تدریس در دارالعلوم و دانشگاه مصر نیز به تدریس این دروس اشتغال داشته، بخوبی روشن می شود که این همه استفاده از علوم تجربی و فنون جدید و استشهاد به گفتار دانشمندان غربی، و گنجاندن تصاویر، جداول و مناظر طبیعی و گیاهان و حیوانات و سعی در همخوانی و تطبیق آیات قرآن کریم با نظریات علمی، متأثر از موضوعاتی است که نامبرده در دوران تحصیل و تدریس با آنها سر و کار داشته است.

### دلسوزی برای مسلمین

به اعتقاد طنطاوی، گرچه تمامی علوم مطلوب هستند،<sup>(۲)</sup> اما چون عنایت خداوند به علوم طبیعی بیش از توجه او به علوم دیگر (علوم فقه و احکام و...) است<sup>(۳)</sup> و حداقل در ۷۵۰ آیه از قرآن کریم درباره آفرینش آسمانها و زمین و طبیعت سخن به میان آمده و این در حالی است که مجموع آیات مربوط به فقه از ۱۵۰ آیه بر نمی گذرد<sup>(۴)</sup>، نیز با عنایت به این که علوم فقه لازمه بقای امت اسلامی است، در حالی که علوم طبیعت برای نیل به شناخت خداوند و

۱- رک: غزالی، ابو حامد، احیاء علوم الدین، ج ۱، انتشارات دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۱، ص ۲۹۶، نیز ج ۳، ص

۲- الرومی، فهد بن عبد الرحمن، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، چاپ اول، عربستان سعودی، ۱۹۸۶، ج ۲،

۳- طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم المشتمل علی عجایب بدایع المکنونات و غرایب الایات الباهرات،



حیات انسانها است<sup>(۱)</sup>، لذا آموختن علوم جدید برای مسلمانان واجب است، تا بدین وسیله از ذلت و حقارتی که آنها را دربر گرفته رهایی یافته<sup>(۲)</sup> و بتوانند دوباره مجد و عظمت از دست رفته خود را بازیابند.

وی از این که مسلمانان ندای اسلام به علم و دانش را فراموش کرده، گرفتار نادانی شده‌اند، و جهان غرب در دانش و تکنولوژی از آنها پیشی گرفته است، اظهار تأسف می‌کند<sup>(۳)</sup>: و راه چاره را در این می‌داند که مسلمانان با هم از در همکاری درآمده و امت اسلامی را در سرزمین‌های آفریقا و آسیا از بدبختی برهانند. او این مسؤولیت را از آن تمامی مسلمانان دانسته، چاره را در این می‌داند که پای درس تفسیر او بنشینند و سپس با درس گرفتن از آن، علم را بین امت مسلمان پراکنده سازند.<sup>(۴)</sup>

### بزرگداشت علم

علم در تفسیر جواهر جایگاه ویژه‌ای دارد. طنطاوی می‌گوید که اسلام به تحصیل علوم امر کرده و مرتبه علم از مرتبه عمل بالاتر است. وی نظر کردن در طبیعت بنا به آیه شریفه «انظروا ماذا فی السموات و الارض»<sup>(۵)</sup> (یونس ۱۰۱) و آیات عدیده دیگر را امری واجب می‌داند. زیرا که خداوند صریحاً به آن امر کرده است. همان‌گونه که کتاب مقدس (قرآن) را می‌خوانند، باید نوشته‌های هستی را بخوانند.<sup>(۶)</sup>

طنطاوی ضمن اذعان به این که خود زمانی نسبت به وجود خالق در حالت شک و حیرت به سر می‌برد و به دنبال پاسخ قانع‌کننده عقلی بود، عامل اعتقاد خود به خداوند و

۱- همان، ج ۲۵، ص ۶۵.

۲- همان، ج ۱، ص ۳۶.

۳- همان، ج ۱۱، ص ۷۳ و ج ۱، ص ۳۵، و ج ۲۵، ص ۵۴.

۴- همان، ج ۲، ص ۲۰۴.

۵- «بنگرید که در آسمانها و زمین چه هست...».

۶- جواهر، پیشین، ج ۲، ص ۸۲.



وحدانیت او را مرهون مطالعه‌اش در جهان طبیعت و فراگیری علوم جدید، قلمداد کرده است.<sup>(۱)</sup>

وی نیل به معرفت کامل خداوندی را فقط از راه علم ممکن می‌داند<sup>(۲)</sup> و بقای حیات امت اسلامی را نیز در گرو علم؛ لذا در جهت عمل به این وظیفه مهم (لزوم معرفت خداوند و بقای امت اسلام) دست به تألیف این تفسیر زده است.<sup>(۳)</sup>

### میزان بهره‌وری از علوم در تفسیر جواهر

طنطاوی در نحوه و میزان بهره‌برداری از علوم در تفسیر خود، در میان تمامی همقطارن خود شاخص شده است.

وی در جای جای تفسیر خود از مباحث هستی‌شناسانه و نمایش عکس و جداول و اقوال دانشمندان علوم طبیعی، استفاده کرده است. و از این مباحث علمی به عنوان پیش‌درآمدی برای مباحث مهمتر خود (یادآوری قدرت و عظمت خالق) استفاده کرده است. گرچه درباره تفسیر جواهر گفته شده است که: «در آن همه چیز هست جز تفسیر»<sup>(۴)</sup>؛ اما باید تصدیق کرد این اقدام طنطاوی از روی حسن نیت و دلسوزی برای جبران خلاء علمی در جوامع اسلامی است، و آیات قرآن بهانه‌ای برای تحقق آرمان و خواسته او شده است. طنطاوی با استناد و تمسک به آیات مختلف، مباحث مفصلی از علوم گوناگون را مطرح کرده است؛ از آن جمله:

علم گیاه‌شناسی<sup>(۵)</sup>، در ذیل تفسیر آیه ۱۴ از سوره نباء: «وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً

۱- همان، ج ۲۵، ص ۶۵ و ج ۲، ص ۲۱۰ و ج ۱۷، ص ۱۶-۱۷.

۲- همان، ج ۲۵، ص ۵۵-۵۷. ۳- همان، ج ۲۵، ص ۲۴۵ و ج ۳، ص ۱۹-۲۰.

۴- شریف، محمد ابراهیم، *اتجاهات التجدید فی تفسیر القرآن فی مصر، قاهره، دارالتراث*، ص ۷۰۹.

۵- جواهر، با همان مشخصات، ج ۲۵، ص ۱۶-۳۰.



تَجَاوُزًا لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا وَ جَنَّاتٍ أَلْفَافًا»<sup>(۱)</sup>.

علم ستاره‌شناسی<sup>(۲)</sup>، در ذیل تفسیر آیه ۸۹ از سوره صافات: «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ»<sup>(۳)</sup>.

علم جانورشناسی<sup>(۴)</sup>، در ذیل تفسیر آیه ۷۹ از سوره مؤمن: «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتُرْكَبُوهَا...»<sup>(۵)</sup>.

از علوم دیگری که در مجلدات مختلف جواهر به آنها پرداخته شده است می‌توان از: انواع کوهها<sup>(۶)</sup>، شگفتیهای زمین و گیاهان و انواع درختان و میوه‌ها<sup>(۷)</sup>، اختلاف و توالی شب و روز<sup>(۸)</sup>، و انواع غذاها<sup>(۹)</sup>، و علم تشریح<sup>(۱۰)</sup> نام برد.

چند ویژگی دیگر تفسیر جواهر:

۱ - خصوصیت بارزی که در تفسیر جواهر به چشم می‌خورد این است که طنطاوی استفاده و استناد به علوم طبیعی را منحصر به آیات کون و ملکوت نگذاشته، بلکه چه بسا در تفسیر دیگر آیات نیز از علوم طبیعی استفاده کرده است.<sup>(۱۱)</sup>

۲ - نوعاً مطالبی که طنطاوی در تفسیر خود ارائه داده است، مطالب سطحی و کم ارزش است، این امر به اضافه کثرت نقل او از علوم مختلف، نشان می‌دهد که وی بیش از آن که یک دانشمند متبحر در رشته‌های علوم باشد، یک علاقه‌مند و شیفته بی‌قرار علوم است.

۳ - تطبیق آیه با یافته‌های علمی: در تفسیر آیه ۲۹ از سوره بقره «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ

۱ - سوره نیا، آیه ۱۴: «از ابرهای باران زای آبی فراوان نازل کردیم».

۲ - جواهر، با همان مشخصات، ج ۴، ص ۷۱ - ۷۸.

۳ - «نگاهی به ستارگان کرد و گفت من بیمارم».

۴ - جواهر، با همان مشخصات، ج ۱۹، ص ۳۰.

۵ - «خداوند کسی است که چهار پایان را برای این که سوارشان شوید، قرار داد...».

۶ - جواهر، با همان مشخصات، ج ۲۵، ص ۱۴۷.

۷ - همان، ج ۱، ص ۱۴۰ - ۱۴۲.

۸ - همان، ج ۲۳، ص ۱۳ - ۱۹.

۹ - همان، ج ۱، ص ۱۴۲.

۱۰ - همان، ج ۱، ص ۸۹.

۱۱ - همان، ج ۷، ص ۸۳ و ج ۸، ص ۹۲.



فَسَوِّبُهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ<sup>(۱)</sup> در بیان مفهوم عدد هفت، ضمن اعلام این که عدد هفت در این آیه قید حصر نیست می‌گوید:

«...تعداد آسمانها از نظر شرع اهمیّت خاصی ندارد...چه این که آسمانها هفت تا باشند یا هزارتا... تمام آنها فعل خداوند هستند که بر جمال و کمالش دلالت دارند»<sup>(۲)</sup>.  
متأسفانه دیری نمی‌گذرد که طنطاوی درباره آسمانهای هفتگانه نظر دیگری می‌دهد و ابراز می‌دارد که:

قرآن خواسته با مردم صدر اسلام بر وفق اعتقادشان سخن بگوید. در زمان نزول قرآن، باور مردم بر تقدس و اهمیّت خاص عدد هفت بود. و قرآن کریم به مقتضای این اعتقاد، تعداد آسمانها و زمین را هفت تا اعلام کرده است. وی برای گریز از مشکلی که ظاهر آیات برایش ایجاد می‌کند به آیه دیگری استناد می‌کند که به اعتقاد او مشکل محصور بودن تعداد آسمانها و زمین در هفت تا را مرتفع می‌سازد و آن آیه هشتم سوره نحل «وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>(۳)</sup> است.

طنطاوی در موارد مشابه دیگری از جمله موضوع «خلقت آدم»<sup>(۴)</sup> و نیز راندن شیاطین با شهابهای آسمانی<sup>(۵)</sup> به چنین تطبیقی دست زده است.

### رتال جامع علوم انسانی

#### ب - ادله موافقان تفسیر علمی

قائلین به تفسیر علمی برای اشمال قرآن بر کلیّه علوم و حجیّت روش تفسیری خود دلایلی ذکر کرده‌اند که ما به اهم آنها اشاره می‌نمائیم:

۱ - بنابه تصریح آیات متعدد، قرآن کریم، تمامیت علوم از کوچک و بزرگ را دربر

۱ - «سپس به آسمان پرداخت و آنها را هفت آسمان نمود».

۲ - جواهر، با همان مشخصات، ج ۱، ص ۵۱. ۳ - «و خلق می‌کند آنچه را که نمی‌دانید».

۴ - جواهر، با همان مشخصات، ج ۳، ص ۶ و ج ۱۱، ص ۹۷.

۵ - همان، ج ۱۸، ص ۱۰ و ج ۸، ص ۱۴.



- دارد. آیه ۳۸ از سوره انعام «مَا فَزَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»<sup>(۱)</sup> از این نمونه آیات است.
- ۲ - پاره‌ای احادیث وارده، دلالت بر شمول قرآن بر کلیه علوم دارد. مانند قول عبدالله بن مسعود: «من اراد علم الاولين و الاخرين فليثور القرآن»<sup>(۲)</sup>.
- ۳ - اعجاز علمی قرآن ملحدان را از این که در قرآن شکی بکنند، باز می‌دارد. زیرا حقایق علمی قرآن کریم دلایل محسوسی هستند که نزد هر عاقلی نیز مقبول می‌افتند.<sup>(۳)</sup>
- ۴ - قرآن کریم مملو از آیاتی است که در آنها از احوال آسمانها و زمین و ماه و خورشید و جاذبه و... سخن به میان آمده است و شرح و تفسیر این آیات جز از طریق علم ممکن نیست.<sup>(۴)</sup>
- ۵ - قرآن کریم به صورت دقیق، اصول و جزئیات عالم مادی را در قرآن بیان کرده بگونه‌ای که احدی در هنگام نزول قرآن از این علوم اطلاعی نداشته است. و تنها علوم جدید است که مؤید و شاهدهی بر صحت علوم قرآن است<sup>(۵)</sup> و بیانگر اعجاز علمی کتاب الهی است.
- ۶ - در این عصر که عصر پیشرفت علوم است، شایسته نیست که مفسر قرآن بی اطلاع از علوم باشد و قرآن را همان گونه تفسیر کند که در صدر اسلام می‌نمودند. در این صورت فرصت طلبان تصور خواهند کرد که اسلام مخالف علم است و با پخش این شعار مانع پیشرفت اسلام شوند.<sup>(۶)</sup>
- ۷ - تفاسیر علمی، مشکل تعارض بین «علم» و «قرآن» را از بین می‌برد و مردم بخوبی خواهند دید که اقوال قرآن در ۱۴۰۰ سال پیش موافق کشفیات امروز علم است. این معجزه

۱ - «در قرآن از بیان هیچ چیز فروگذار نکردیم».

۲ - زرکشی، بدر الدین محمد، البرهان فی العلوم قرآن، چاپ اول ۱۹۵۷، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳ - ابو جعفر، احمد عمر، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، چاپ اول، دارقنیه، ۱۹۹۱، ص ۱۰۷.

۴ - الفخر الرازی، مفاتیح القیوم، ج ۴، الطبعه الثالثه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ص ۲۳۸.

۵ - حنفی احمد، التفسیر العلمی للآیات الکوثیه، چاپ اول، دار المعارف، مصر، ص ۴۳۷.

۶ - التفسیر العلمی للقرآن، ص ۱۰۹.



علمی قرآن، مردم و غریبه‌ها را به سوی خود خواهد کشید و الا با طرح معجزات دیگر همچون «شق القمر» که هدایت نمی‌شوند.<sup>(۱)</sup>

۸ - قرآن کریم، آنجا که می‌خواهد «راه هدایت کردن» مردم به رسول اکرم (ص) را آموزش دهد. می‌فرماید «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن»<sup>(۲)</sup> بنابراین باید با افراد از هر قشر و صنفی با مدارا و نرمی و زبان خودش صحبت کرد، با عوام الناس، با موعظه و نصیحت و با دانشمندان، با زبان علم و حکمت!<sup>(۳)</sup>

۹ - درک اعجاز لغوی قرآن برای غیر عرب بسیار مشکل است. لذا بیان علمی اعجاز قرآن برای بشر امروز که با اختراعات و اکتشافات فزاینده سروکار دارد، ضروری است. بر علمای اسلامی است که در وجوه اعجاز علمی قرآن دقت بیشتری نمایند و با بیان اسرار علمی آن، مردم بیشتری را به سوی خدا و اسلام هدایت کنند. گرچه قرآن کتاب زمین‌شناسی و نجوم و... نیست، بلکه کتاب هدایت است؛ اما حقایق پدیده‌ها و موجودات هم به اجمال و هم به تفصیل در آن بیان شده است.<sup>(۴)</sup>

ج - دلائل مخالفان تفسیر علمی نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مخالفان تفسیر علمی قرآن کریم نیز برای اثبات مدعای خود، دلایلی را ارائه داده‌اند که به اهم آنها اشاره می‌نمائیم:

۱ - فهم عبارات قرآن باید منطبق با آنچه اعراب اصیل از آن می‌فهمیدند، باشد و ما نباید از حدود فهم و ادراک آنها از الفاظ و عبارات قرآن تجاوز کنیم، زیرا قرآن کریم در آن

۱ - شهرستانی، سید هبه الدین، اسلام و هیات، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، شرکت سهامی انتشار، چاپ

چهارم، ص ۱۱۰.

۲ - سوره نحل، آیه ۱۲۵: «مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و به بهترین شیوه با آنان

مجادله کن...»  
۳ - التفسیر العلمی للآیات الکوئیة، پیشین، ص ۱۵.

۴ - هیتو، محمد حسین، المعجزة القرآنیة، دار احباء التراث العربی، بیروت، ص ۱۴۸.



جامعه و با آن فرهنگ نازل شده و مخاطبان آن در درجه اول همانها هستند. لذا ما باید معانی آن الفاظ و حدود و استعمال آنها را در زمان نزول قرآن بدانیم و از هرگونه «توسع» در کاربرد الفاظ زائد بر معانی متعارف زمان نزول، پرهیز کنیم.<sup>(۱)</sup>

۲ - اهتمام و رسالت واقعی قرآن کریم، دین و اعتقادات است نه علوم.<sup>(۲)</sup>  
 ۳ - استفاده از نظریات علمی در فهم بیشتر آیات قرآن کریم اشکالی ندارد، اما تحمیل نظریات بر قرآن که به طبیعت حال، در معرض تغییر و تحول هستند، جایز نمی باشد. بعضی از تفاسیر علمی موجود، دیر یا زود مسأله نزاع بین علم و قرآن را سبب خواهند شد.<sup>(۳)</sup>  
 ۴ - تفسیر علمی از قرآن در واقع همان «تأویل» متکلفانه آن است که پسندیده نیست.<sup>(۴)</sup>

۵ - نظریات علمی دواغمی ندارند و حقایق علمی هم مطلق نیستند. اگر ما قرآن را به این نظریات متغیر و احتمالی ارتباط دهیم و صحت قرآن را مشروط به صحت این نظریات بگردانیم و بعد معلوم شود که این نظریات باطل شده و اعتبار خود را از دست داده است، چه بر سر قرآن خواهد آمد؟! پس صحیح نیست که حقایق قطعی قرآن کریم را مشروط به حقایق غیر منطقی و غیر نهایی علم بشری بکنیم.<sup>(۵)</sup>  
 ۶ - در هیچ جایی نمی بینیم که صحابه و تابعین که داناترین مردم بعد از رسول اکرم (ص) بر قرآن بوده اند، از روش علمی برای تفسیر قرآن استفاده کرده باشند. و اگر آنان در این مورد اقدام و بررسی داشتند قطعاً به ما چیزی از آن می رسید.<sup>(۶)</sup>

۱ - خولی، امین، التفسیر، منهجه الیوم معالم حیات، خلاصه دلائل.

۲ - همان.

۳ - العقاد، عباس، الفلسفه القرآنیة، قاهره، دار الکتب المصریة، ص ۱۸۱.

۴ - شلتوت، محمود، تفسیر القرآن الکریم، دار الکتب العربیة، قاهره، ۱۹۶۸، ص ۳۱.

۵ - سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۲، دار الشروق، ۱۹۷۵، ص ۹۶.

۶ - الامام الشاطبی، المواقفات، ج ۲، ص ۷۹.



- ۷ - اگر وجه اعجاز علمی قرآن را از وجوه اعجاز قرآن بشماریم. معنایش اینست که قرآن کریم که مردم زمان نزول (اعراب امی و بیسواد) که هیچ اطلاعی از علم به معنای دقیق کلمه نداشتند را به تحدی فرا خوانده است! و این اصولاً باعث تخطئه اعجاز قرآن می شود. زیرا آنان از درک مسائل علمی عاجز بوده اند و این تحدی از اساس باطل بوده است! (۱)
- ۸ - قرآن کتاب طب و فلسفه نیست و مقصدش بالاتر از اینهاست. آیاتی که دعوت به تفکر و نظر در ملکوت آسمانها و زمین می نمایند، به قصد هدایت و موعظه و توجه به قدرت خداوند و وحدانیت او است نه به قصد بیان نظریات علمی! (۲)
- ۹ - آیات هستی شناسانه در قرآن کریم برای تشویق و انگیزش عقول به تدبر در عظمت خالق و آفریننده جهان آمده است، نه این که تأیید برای یک فرضیه و نظریه خالص علمی باشد. (۳)

#### د - اصول و مبانی تفسیر علمی مقبول

ما در ضمن بحثهای گذشته دلائل مخالفان و موافقان تفسیر علمی قرآن کریم را بیان داشتیم. حال بر آنیم که پاره ای از اصول و مبانی لازم را که می توانند در حجیت بخشیدن به تفسیر علمی مؤثر واقع شوند، بطوری که اگر مفسر در تفسیر خود به این اصول و مبانی پایبند و ملزم باشد، تفسیر او از مصادیق «تفسیر به رأی» نخواهد بود، مطرح نمائیم:

#### ۱ - قرآن محوری

مفسر قرآن باید بداند که قرآن معجزه جاویدان پیامبر اکرم (ص) و آئین نامه الهی و مهمترین و رساترین منبع فرهنگ اسلام است. این کتاب عزیز در جایگاه بلند هدایت انسان،

۱ - التفسیر العلمی للقرآن، با همان مشخصات، ص ۱۱۲.

۲ - ذهبی، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، ج ۳، دار احیاء التراث العربی، مصر ۱۳۹۶، ص ۱۵۹.

۳ - التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، با همان مشخصات، ص ۳۲۴.



همچون مشعلی فروزان بر معبر تاریخ، انسان را از ظلمت به نور هدایت و ایمان، راهنمایی و سپیدی می‌بخشد.

قرآن به تعبیر خودش «تبیاناً لكل شیء»، «هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان» است، حقایق قرآنی، حقایقی نهایی، قطعی و مطلق است و گذشت زمان و پیشرفت علوم و تکنولوژی، حقایق آن را فسخ نمی‌کند.

پیغمبر خدا (ص) می‌فرماید: «هنگامی که فتنه‌ها، مانند شب ظلمانی از هر طرف شما را احاطه کند دست به دامن قرآن بزنید. زیرا قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعتش پذیرفته می‌شود و شکایت کننده‌ای است که شکایتش قبول می‌شود، کسی که آن را راهنمای خود قرار دهد او را به بهشت می‌کشاند و کسی که آن را پشت سر اندازد، او را به دوزخ می‌راند، قرآن به سوی بهترین راهها راهنمایی می‌کند، کتابی است که دارای تفصیل و بیان و نتیجه است... ظاهر و باطن دارد، ظاهرش دانایی و باطنش علم است، بیرونش زیبا و درونش عمیق است... اسرار شگفت آن از شماره بیرون است و هیچ گاه گرد فرسودگی بر صفحه آثار دلپذیرش نمی‌نشیند...»<sup>(۱)</sup>

لذا مفسر قرآن به هر روش و مسلکی که بخواهد دست به تفسیر بیازد، باید جانب قرآن را در هر حال و تحت هر شرایطی، عزیزتر بدارد و اصل مسلم و قطعی بگیرد، و هر جا که تعارضی بین قرآن و غیر آن به نظر برسد، باید قرآن را مقدم داشت، چه رسد به فرضیه‌ها و تئوریه‌ها و نظریاتی که در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحول بوده و خواهند بود.

۱- همانجا، ص ۱۲۰

## ۲ - قرآن بیانگر هر چیزی است که بیانش در شأن قرآن باشد.

قبلاً در ضمن یادآوری دلایل مخالفان تفسیر علمی، بیان داشتیم که اهتمام قرآن، دینی و اعتقادی است و نه علمی. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که بیانگر جامعیت این کتاب الهی است. آیا معنای این قبیل آیات آن است که همه مباحث اجتماعی، سیاسی،



اقتصادی، علمی و... بطور تفصیل و مبسوط با ذکر جزئیات در قرآن مورد عنایت قرار گرفته است، آنطور که بعضی می‌پندارند؟

همچنین باید مشخص شود که هدف از این اشارات چیست؟ آیا هدف صرف بیان این مطالب مختلف است، بدون آن که با هدف کلی قرآن و رسالت آن ارتباطی داشته باشد؟ و یا این که اگر اشاراتی هست در جهت همان هدف کلی (هدایت و ارشاد) است؟ در این جا باید گفت که نیازهای انسان به دو بخش عمده تقسیم می‌شوند:

الف: نیازهایی که در جهت تحصیل سعادت و کمال معنوی و هدایت و تربیت اوست.

ب: نیازهایی که به زندگی مادی و رفاهی و آرمانهای مادی مربوط می‌شود.

بدون شک قرآن کریم به تمام نیازهای بشر برای تأمین سعادت دنیوی و اخروی وی،

گاه به تفصیل و گاه به اجمال پاسخ داده است.

در آیه شریفه «تبیانا لکل شیء» باید دانست که این بیان گاهی ظاهری است با این قید که

قرآن بیانگر هر چیزی است که بیان آن در شأن قرآن است، بیان فرمول بمب اتم و جزئیات

علوم فیزیک و شیمی، شأن و رسالت قرآن نیست.

این قید در آیات دیگری نیز مشاهده می‌شود قرآن درباره بلقیس می‌فرماید:

«و اوتیت من کل شیء» (نمل ۲۳)، یعنی سلطنت بلقیس هیچ نقصی نداشت و همه چیز

به او داده شده بود. بدیهی است که منظور از «کل شیء» در آیه شریفه «هر چیزی که شأن

سلطنت او و متناسب با حکومت او بوده» در اختیارش گذاشته شده بود. ولی آیا هواپیما و

موشک و تانک هم داشت؟<sup>(۱)</sup>

قرآن کریم کتاب هدایت است و برای نیل به این مهم به تمام ابعاد زندگی بشر نظر

داشته و از همه راههای سالم و مفید بهره جسته است در طرح مباحث عقیدتی و اخلاقی گاهی

به یک سلسله مباحث طبیعی نیز اشاره کرده است. این اشارات نه به قصد بیان و طرح مسائل

علمی و تجربی است، بلکه زمینه‌ای است برای گردش دادن انسان به درک عظمت و رحمت و



حکمت الهی و یادآوری نعمتهای او و نهایتاً شکرگزاری بندگان و اطاعت و تسلیم آنان در برابر خداوند تبارک و تعالی است.

مطالعه و دقت در این آیات و نیل به هدایت لازم از رهگذر این آیات، هم در گذشته و هم در حال (عصر پیشرفت علوم و تکنولوژی) میسر و ممکن است. اما بدیهی است که رشد علوم بر دامنه آگاهی بشر از تعبیر قرآنی و وسعت بخشیدن به میزان درک و استنباط افراد حق جو می افزاید. (۱)

### ۳ - تفاوت حیطة معارف دینی و علمی (بشری)

مفسر قرآن کریم باید بداند که حیطة معارف دینی با حیطة معارف بشری کاملاً انطباق ندارد. معارف بشری و از جمله علوم طبیعی و یافته های آن، پای در حیطة هایی دارد که قرآن کریم و دین در آن حوزه ساکت و در آن قلمرو سخن ندارد، چون شأن و مقام قرآن، بالاتر و مهم تر از اینهاست. البته در پاره ای موارد ممکن است وحدت حوزه و نظر و قلمرو داشته باشند.

در هر حال حقایق دینی، حقایق مسلم و قطعی الصدور هستند و نباید مشکل تعارض بین قرآن (دین) و علم را با فدا کردن قرآن و دین حل کرد. (متأسفانه اغلب چنین عمل می شود.) در تفسیر، از هر گونه که باشد و از جمله تفسیر علمی، نباید انتظار داشته باشد که از قرآن کریم آن چیزی را تحصیل کند که یافته های علمی مبتنی بر فرضیه و آزمون او وفاق داشته باشد. (۲)

### ۴ - استناد به قوانین مسلم و قطعی علمی در صورت لزوم

دخیل کردن مسائل علمی در تفسیر آیات اگر با رعایت حد اقل - نه افراط و نه تفریط

۱ - همان، ص ۵۷.

۲ - جلیلی، سید هدایت، روش شناسی تفاسیر موضوعی قرآن، انتشارات کویر، ۱۳۷۲، ص ۲۲۰ - ۲۲۱.



- همراه باشد و از محیط فرضیه‌ها و تئوریه‌ها قدم بیرون نهاده وارد محیط قوانین علمی که با دلایل قطعی یا مشاهدات مسلم ثابت شده است و دلالت آیات قرآن نیز در این امور صریح و روشن باشد، بلا اشکال به نظر می‌رسد، بلکه در نظر جمعی از اندیشوران علوم قرآنی و تفسیر، بیان تطابق و همخوانی این دو (علم قطعی و قرآن)، در واقع بیان عظمت این کتاب الهی است. اصولاً چه مانعی دارد معتقد باشیم که قرآن در بحثهای توحیدی و خداشناسی و امثال اینها، پرده از روی یک سلسله حقایق علمی بردارد و پیروان خود را در جریان آن بگذارد و علاوه بر نتایج توحیدی و اخلاقی - که هدف اصلی آیات است - نشانه‌ای بر حقایق قرآن و هم راهگشای علوم و دانشها باشد. اما باید مواظب بود که:

اولاً: به آن دسته از مسائل طبیعی استناد شود که صد در صد ثابت و مسلم شده باشند. مانند قانون جاذبه، زوجیت گیاهان، حرکت زمین و منظومه شمسی و امثال اینها که حتی با دلالت حتی هم ثابت شده‌اند.<sup>(۱)</sup>

ثانیاً: دلالت آیات بر این قبیل مباحث آنچنان روشن و آشکار باشد که نیازی به تأویل، تکلف و تطبیق نداشته باشد. اگر باب توجیهاات ساختگی در اینجا باز شد، مصداق تفسیر به رأی خواهد بود.

مرحوم علامه طباطبایی (ره)، علم و علوم طبیعی را چراغی می‌دانند روشن که بخشی از مجهولات را از تاریکی درآورده و برای انسان معلوم می‌سازد.<sup>(۲)</sup>

##### ۵- عدم مخالفت با مضامین مسلم شرعی

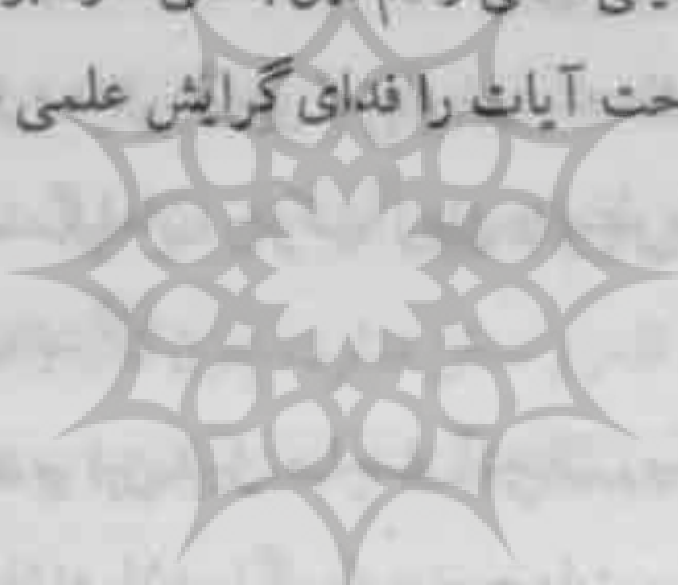
شرع مقدس اسلام یک سری حقایق مسلم و قطعی دارد که به هیچ وجه با گذشت زمان، رنگ تغییر و تحول و جامه تبدیل و دگرگونی برتن نمی‌کنند. علاوه بر اصول دین، اکثریت قریب به اتفاق احکام فرعی و عبادات و نیز بسیاری از اخلاقیات دینی ما، از این

۱- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۸، نسل جوان، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۱۴۵ - ۱۴۴.

۲- طباطبایی، محمدحسین، وحی و قرآن، چاپ اول، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰، ص ۸۸.



ویژگی (ثبوت و عدم تغییر) برخوردارند. علم بشر به هر کجا که برسد و تکنولوژی به هر درجه‌ای نایل شود، شرب خمر حلال نمی‌شود، دروغ و غیبت پسندیده نخواهد بود، ارزشها ضد ارزش نمی‌شوند. آری بحث ما در این جا از اصول مسلم شرعی است نه از مسائلی که شرع مقدس در مورد آنها نظر قطعی و صریح خود را اعلام نکرده، بلکه درک و شناخت دقیق آنها را به فکر و عقل و علم و تلاش خود آدمی واگذار نموده است. نظریه داروین در مورد خلقت انسان، خلاف نص صریح قرآنی است؛<sup>(۱)</sup> مفسری که دارای گرایش علمی است باید مواظب باشد که مبادا با قطعی گرفتن پاره‌ای نظریات و فرضیات این چنینی، علی‌رغم میل باطنی خود برای آشتی بین قرآن و علم، دست به تأویل ناروا بزند. و صراحت آیات را فدای گرایش علمی خود نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱- آیات زیادی در قرآن کریم دلالت بر خلقت آدم (انسان) از گل دارد. از آن جمله: سوره انعام، آیه ۲؛

اعراف، آیه ۱۲؛ مؤمن، آیه ۱۲؛ سجده، آیه ۷؛ صافات، آیه ۱۱ و چندین آیه دیگر.